

# تصمیمات محاکم

## تصمیم دیوان عالی تمیز در مورد فرار متهم از توقیفگاه

طبق ماده ۱۱۷ قانون مجازات - محبوس کسی که از محبس فرار نماید از يك تا شش ماه محکوم به حبس خواهد شد .

کسی که متهم بسرقت و در توقیفگاه اداره شهر بانی توقیف بوده فرار کرده - مدعی العموم بدایت طرح دعوی با استناد ماده ۱۱۷ بر او کرده - محکمه جنبه بعنوان عدم شمول مورد (فرار از توقیفگاه قبل از محکومیت بحکم قطعی لازم الاجراء) بماده ۱۱۷ او را تبرئه کرده است - مدعی العموم از حکم مزبور استیناف خواسته محکمه استیناف حکم بدوی را تأیید کرده - شعبه (۵) دیوان

عالی تمیز در حکم شماره ۶۷۱ ر ۶۵۲۰ مورخ ۱۶۳۳۲۶  
چنین رای داده است :

ظاهر ماده ۱۱۷ قانون مجازات عمومی شامل متهمینی که از توقیفگاه فرار مینمایند نمیباشد و اعتراض مدعی العموم استیناف باینکه متهم بموجب قرار مستنطق توقیف بوده و فرارش منطبق با ماده ۱۱۷ قانون مزبور است وارد نیست و چون اشکال دیگری نیز در پرونده عمل دیده نشده بنا بر این حکم مزبور باتفاق اراء ابرام میشود . . . . .

## تصمیم دیوان عالی تمیز

### در مورد تصدیق شریک بدریافت وجه اشتغال ذمه او

کسی در محکمه بدایت بر کسی ادعا می کند بدین توضیح که مدعی علیه متصدی امور مدعی بوده که مال - الاجاره و مطالبات او را وصول و برایش بفرستد و ضمناً درخواست مبلغی بعنوان قرض کرده که بموجب صورت حسابی که بخط او و مدرک دعوی است بمدعی علیه کارسازی داشته و اینک که مطالبه شده از پرداخت استنکاف دارد - محکمه بعنوان آنکه مدعی علیه طبق دو فقره نامه منتسب بمدعی مدعی وجود شرکت میان آنها شده و محاسبات راجع بشرکت بوده و صورت حساب مستند مدعی نیز مثبت این معنی است - دعوی مدعی را ثابت ندانسته و از راه بیحقی محکوم کرده است - محکوم علیه از حکم مزبور استیناف خواسته - محکمه استیناف پس از رسیدگی چنین رای

داده است : « محصل دفاع مدعی علیه در قبال دعوی مدعی این بوده که وجه مورد مطالبه از بابت سرمایه شرکت باو داده شده و موضوع استقراض (چنانکه مدعی دعوی نموده) در میان نبوده و عرضحال مدعی باین عنوان قابل جریان نیست و میتواند در زمینه تفریق محاسبه عرضحال مجددی بدهد - و مجرد این معنی با توجه باینکه تصدیق ضمنی باخذ وجه مورد ادعا است موثر در منع مطالبه مدعی بنظر نمی رسد - چه با فرض تحقق شرکت و صحت ارکان آن و تأدیبه وجه مزبور از طرف مدعی بعنوان سرمایه مادام که مدعی علیه ثابت ننموده که وجه سرمایه مزبور در جریان شرکت از میان رفته و منتفی شده و نیز قرارداد خاصی که منع مطالبه را محدود کرده باشد ابراز ننموده استرداد

<p>محکوم بتاریخ مدعی به است .</p> <p>محکوم علیه از حکم مزبور تمیز خواسته - شعبه (۱)</p> <p>دیوان عالی تمیز در حکم شماره ۶۸۰ ر ۱۳۵۱۸ مورخ ۲۴ ر ۱۶۳۲۹ چنین رأی داده است :</p> <p>« نظر باینکه اعتراضات مستندی تمیز همسان اظهاراتی است که در محکمه بدایت و استیناف نموده و در محکمه استیناف موجهاً مردود شده و بر نظر محکمه استیناف هم در محکومیت مستدعی و در تشخیص محکوم به و جریان مجازات که اشکال قانونی مؤثر در نقض دیده نشده بنا بر این حکم مزبور با اتفاق آراء ابرام میشود .»</p>	<p>وجه مزبور ولو بعنوان سرمایه هم باشد از طرف دهنده وجه مانعی ندارد و محتاج به رضاحال جداگانه بعنوان تفریق حساب نیست منتهی گیرنده وجه در قبال این مطالبه میتواند طبق دلائلی که دارد اگر مدعی انتفاء موضوع سرمایه است ثابت نماید که موضوع از میان رفته و در این مقام چون با تحقق اخذ وجه مزبور بشرح صورت حساب استنادی مدعی و عدم ابراز دلیلی از طرف گیرنده وجه که در جریان شرکت ضرری واقع شده که سرمایه را از میان برده است این معنی معلوم نیست بنابراین مدعی حق مطالبه جوهری که بمدعی علیه رسانیده پس از وضع ارقام پرداختی داشته است و بالتبع محکوم مستألف عنه مفسوخ و مدعی علیه</p>
--	--

## تصمیم دیوان عالی تمیز

### در مورد گرفتن چیزی از کسی به تهدید و اجبار

<p>و حکم محکمه استیناف دائر بجرم نبودن عمل مزبور مخالف قانون محسوب است ) بر حکم مورد استدعا وارد است و استدلال محکمه استیناف در جرم نبودن عمل مزبور نتیجتاً آنکه ( چون متهم در مقام مطالبه اجرت خود بوده و بعلت امتناع شاکی از تأدیه آن مبادرت بعمل مزبور نموده و عمل مزبور منطبق با ماده ۲۳۴ نیست ) مخدوش است زیرا با محرز بودن اخذ وجه بعنف و قهر و غلبه در نظر محکمه دعوی طلب و مطالبه حق موجب خروج عمل از مصادیق ماده که می گوید ( هر کس بوسیله تهدید و اجبار وجه نقد یا چیز دیگری تحصیل کند . . . ) نخواهد بود و اطلاق عبارات شامل مورد است بنا بر این حکم محکمه استیناف دائر بجرم نبودن عمل انتسابی بمتهم مخالف قانون محسوب و بموجب ماده ۴۳۰ اصول مجازات جزائی با اتفاق آراء نقض میشود .»</p>	<p>بموجب ماده ۲۳۴ قانون مجازات - هر کس بوسیله تهدید و اجبار وجه نقد یا چیز دیگری تحصیل کند بحبس تأدیبی از سه ماه تا دو سال محکوم خواهد شد و جزای شروع باین عمل حبس تأدیبی از یک تا ۶ ماه است .</p> <p>کسی با اتهام اخذ وجه بزور از کسی مورد تعقیب پار که بدایت واقع شده محکمه جنحه با استناد ماده ۲۳۴ قانون مجازات و ۴۵ مکرر او را بسه ماه حبس تأدیبی محکوم کرده است - محکوم علیه از حکم مزبور شکایت کرده - محکمه استیناف حکم ابتدائی را فسخ و قرار منع تعقیب جزائی متهم را داده است مدعی العموم تمیز خواسته دیوان عالی تمیز در حکم شماره ۶۸۲ ر ۸۴۳۱ مورخ ۲۹ ر ۱۶۳۲۹ پس از رسیدگی چنین رأی داده است :</p> <p>« اعتراض مدعی العموم خلاصه آنکه ( عمل ارتكابی متهم که عبارت از در آوردن وجه از حیب مدعی خصوصی بنحو عنف بوده مشمول ماده ۲۳۴ قانون مجازات میباشد</p>
---	---

## تصمیم دیوان عالی تمیز

## راجع بصدر حکم مجازات با استناد قانون متأخر

مز بوره نیز بشرح ذیل که اعتراض قانونی تلقی میشود:  
 (۱) - محکمه در حکم خود به ماده ۱ و ۲ قانون مجازات مرتکبین قاچاق مصوب اسفند ۱۳۰۷ استناد کرده در صورتی که مواد مز بوره از ۱۵ فروردین ۱۳۱۳ منسوخ و در تاریخ صدر حکم قابل استناد نبوده است.

۲- چون نسبت بقاچاق يك بطر عرق که محتوی ۳ سیر و کمتر از واحد قاچاق است قانوناً جریمه علاقه نگرفته و بر فرض داشتن جریمه بطوریکه بعض از محتویات پرونده حاکی است جریمه آن پرداخته شده بوده لذا مأمورین وظیفه قانونی برای وصول جریمه نداشته اند تا اقدام آنها در این مورد انجام وظیفه محسوب و قضیه قابل تطبیق با ماده ۱۶۶ قانون مجازات عمومی باشد و حکم محکمه دائر بمحکومیت متهم با استناد ماده مز بوره مخالف قانون است) هیچیک بر حکم مورد استناد وارد نیست زیرا:

اولاً بطوریکه محتویات پرونده حاکی است جرم منتسب (قاچاق يك بطر عرق) در تاریخ ۱۸ آبان ۱۳۱۲ واقع شده و مجازات آن باید بموجب قانونی که در آن موقع حکومت داشته تعیین شود و قانون مرتکبین قاچاق مصوب اسفند ۱۳۱۲ نیز نسبت به قانون مزبور اخف محسوب نمیشود تا بر طبق قسمت اخیر ماده ۶ قانون مجازات عمومی در این مورد موثر و قابل استناد باشد لذا تعیین مجازات با استناد آن قانون صحیح و بدون اشکال بوده است ثانیاً بر فرض که نسبت به قاچاق کمتر از میزان واحد جریمه علاقه نگیرد و بر تقدیر اینکه جریمه هم پرداخته شده باشد چون مأمورین بنام وظیفه اقدام بمطالبه کرده اند اگر هم فرضاً در نتیجه رسیدگی معلوم شود که حق مطالبه جریمه را نداشته اند عمل متهمین مشمول ماده استنادیه و از این جهت نیز اشکالی بر حکم مورد استنادها بنظر نمیرسد لیکن نظر باینکه از جهت دیگر دو اشکال

بموجب ماده (۶) قانون مجازات - مجازات باید بموجب قانونی باشد که قبل از ارتکاب آن عمل مقرر شده باشد و هیچ عملی را نمیتوان بعنوان جرم بموجب قانون متأخر مجازات نمود لیکن اگر بعد از ارتکاب جرم قانونی مقرر شود که مبنی بر تخفیف یا عدم مجازات باشد نسبت بجرمهای سابق بر وضع آن قانون نیز مؤثر خواهد بود.

کسی باتهام قاچاق يك بطر عرق در ۱۲/۸/۱۲۸ و ترمرد و توهین ضمنی و ورود جرح بمأمور کشف و مأمورین وصول قاچاق در ۱۷/۱۰/۱۴ مورد تعقیب پار که بدایت واقع و با استناد ماده (۱) قانون اسفند ۱۳۰۷ و ماده ۱۶۱ و ۱۶۲ و ۱۶۶ قانون مجازات عمومی در محکمه جنائی طرح و محکمه پس از رسیدگی با رعایت ماده ۴۵ مکرر راجع بقاچاق طبق ماده ۱ و ۲ قانون مجازات مرتکبین قاچاق مصوب ۱۲/۷/۱۲۷ به ماه حبس تأدیبی و ۵۰ ریال جریمه نقدی و راجع بتوهین بمأمور کشف حین انجام وظیفه با استناد ماده ۱۶۲ بهشت روز حبس تأدیبی و راجع با براد جرح بدو نفر مأمور وصول جریمه طبق ماده ۱۶۶ بدو سال حبس مجرد محکوم کرده و نسبت بتوهین بدو نفر مزبور متهم را تبرئه کرده است.

محکوم علیه از حکم مزبور تمیز خواسته - دیوان عالی تمیز شعبه (۲) در حکم شماره ۹۵۸۸۵۵۱ - و ر خ ۱۳/۳/۱۶ پس از رسیدگی چنین رأی داده است:  
 در چند قسمت اکثر اعتراضات مستدعی تمیز بر حکم مورد استناد بشرح دو فقره لایحه تقدیمی بالتنبیحه مبنی بر بی تقصیری مشارالیه و انکار صدور اعمال انتسابی و خدشه در دلائل استنادی محکمه چون راجع بماهیت دعوی و ایراد بنظر هیئت حاکمه در تشخیص موضوع است و اعتراض قانونی محسوب نمیشود اصولاً قابل رسیدگی در مرحله تمیزی نخواهد بود و دو فقره از اعتراضات

برای تخفیف مجازات او در نظر گرفته در این خصوص بماده ۴۵ مکرر قانون مجازات استناد و بالنتیجه متهم را بدو سال حبس مجرد محکوم نموده است در صورتیکه تاریخ تصویب ماده مذکوره بعد از وقوع جرم ارتكابی بوده و بلاحفاظ اینکه در مورد تکرار و تعدد جرم اختیاری محکمه را در تخفیف مجازات بعد اقل آن محدود نموده نسبت بماده ۴۴ قانون مجازات ( که در مورد حبس مجرد محکمه میتواند مجازات را به حبس تأدیبی تا شش ماه تبدیل نماید ) قانون اشد محسوب میشود لذا استناد بماده ۴۵ در این مورد که ظاهراً محکمه بهمان جهت مجازات متهم را دو سال حبس مجرد معین کرده صحیح بنظر نمیرسد و بالنتیجه حکم محکمه مخالف ماده ۶ قانون مجازات محسوب است بنابراین بجهت مذکوره حکم مورد استدعا بموجب ماده ۴۳۰ اصول محاکمات جزائی با اتفاق آراء نقض میشود .

مهم موثر در نقض بشرح ذیل بر حکم محکمه وارد است  
 ۱- بر حسب مفهوم ماده ۱۰ قانون مجازات مرتکبین قاچاق مصوب اسفند ۱۳۱۲ در مورد قاچاقهایی که جریمه آن کمتر از هزار ریال است تعقیب متهم ابتداء جایز نیست و فقط در صورتیکه جریمه از او اخذ یا برای وصول جریمه توقیف شده باشد بشکایت خود او طبق ماده ۸ قانون مزبور ممکن است قضیه در محکمه طرح و منتهی بمحکومیت شود و در این مورد که جریمه مال موضوع قاچاق بیشتر از هزار ریال بوده و متهم نیز شکایتی نکرده مبادرت مدعی الموموم به تعقیب متهم و تقاضای مجازات او بمورد و جریمه را خود مأمورین میتواندسته اند بدون حکم محکمه وصول نمایند که بالنتیجه حکم محکمه بمجازات متهم و تأدیه جریمه مخالف قانون محسوب میشود .  
 ۲- راجح بمحکومیت متهم در قسمت ایراد ضرب بمأمورین دولتی در موقع انجام وظیفه محکمه موجباتی

## تصمیم دیوان عالی تمیز

### در مورد مجازات مرتکب جرم در حال مستی

میخواسته است او را بر اثر شکستن شیشه قهوه خانه و شکایت قهوه چی بکلانتری ببرد گاز گرفته و مجروح کرده است مورد تعقیب در محکمه جنائی واقع شده محکمه بمنوان آنکه ( از مجموع اظهارات پاسبان مزبور و اطلاعات شهود و بیانات خود متهم بر محکمه مسلم شده که متهم در شب واقعه بملات استعمال نوشابه زیاد مست و دارای قوه ممیزه نبوده تامقاومت در این مورد صدق کند بلکه بواسطه بی ادراکی ممکن است جرح مختصری بر اثر مستی فوق - العاده که او را ناتوان ساخته بوده بدست پاسبان وارد آورده باشد و اراده از ارکان جرم است ) او را تبرئه کرده است . مدعی الموموم از حکم مزبور تمیز خواسته - شعبه

بموجب ماده ۱۶۶ قانون مجازات - هرگاه کسی نسبت بمستخدمین دولت چه در حین اجراء مأموریت وجه بسبب آن صدمات بدنی وارد آورد که موجب جرح یا مرض گردد مقصر بحبس مجرد از دو تا پنج سال محکوم خواهد شد . بموجب ماده ۴۰ قانون مزبور - کسیکه در حال ارتکاب جرم مجنون بوده یا اختلال دماغی داشته باشد مجرم محسوب نمیشود و مجازات نخواهد داشت . در قانون مجازات عمومی ماده که آدم مست را مجرم نشناخته و او را سزاوار مجازات نداند وجود ندارد بلکه بموجب ماده ۲۷۵ تجاهر در استعمال مسکرات را جرم شناخته است . کسی با اتهام آنکه در حال مستی دست پاسبانی را که

نخواهد بود بر حکم محکمه وارد بنظر میرسد چه آنکه ماده ۴۰ قانون مجازات عمومی مورد معافیت از مجازات را تعیین نموده و تسری بموارد مستثنی و شیره نمینماید بنا بر مراتب مذکور حکم مورد استدعای تمیز مخدوش بوده و بر طبق ماده ۴۳۰ قانون اصول مجازات جزائی با اتفاق آراء نقض میشود .»

(۵) دیوان عالی تمیز در حکم شماره ۹۳۳۷، ۵۵۶ مورخ ۱۶/۳/۱۵ چنین رأی داده است :

«اعتراض مدعی عمومی استیناف بمفاد آنکه محکمه در استدلال خود هیچیک از دو مورد ابتلاء بجنون یا احتلال قوای دماغی را محط نظر قرار نداده و استناد بفقدان اراده در مورد مستی مستلزم معافیت مجرمین از مجازات

## تصمیم دیوان عالی تمیز

### در مورد مجازات حامل جنس قاچاق

لیکن اعتراض دیگر اداره مزبوره خلاصتاً آنکه (با احتراز حامل بودن متهمین نسبت باشیاء موضوع قاچاق در نظر محکمه و معرفی نمودن آنها شخص دیگری را بمالکیت آن اشیاء عمل آنان جرم محسوب میشود) بالنتیجه بر حکم مورد استدعا وارد است چه مطابق ماده ۵ قانون مرتکبین قاچاق مصوب اسفند ۱۳۱۲ هر گاه اشیاء موضوع قاچاق بتوسط مکاری یا بوسائل دیگری حمل گردد و حامل نتواند ارسال کننده یا کسی را که محمولات باید باو تسلیم شود تعیین و اثبات نماید مسؤلیت دارد و باید از عهده جزای نقدی مقرر در ماده (۱) قانون مزبور برآید و در این مورد که بر حسب مستفاد از حکم محکمه استیناف حامل اجناس مکشوفه بتوسط متهمین در نظر محکمه محرز بوده و حاملین ارسال کننده یا کسی را که اجناس مزبوره باید باو تسلیم شود معرفی نکرده اند عمل آنان (ولو صاحبان اصلی اجناس غیر از متهمین باشند) طبق ماده فوق الذکر جرم محسوب میشود لذا حکم مورد استدعای تمیز دائر به تبرئه آنها با استناد اینکه صاحبان اصلی اجناس مکشوفه غیر از متهمین بوده اند و آنها را نمیتوان وارد کننده اجناس از سرحد کشور دانست مخالف قانون محسوب و بموجب ماده ۴۳۰ اصول مجازات جزائی با اتفاق آراء نقض میشود .»

بموجب ماده پنجم قانون قاچاق - هر گاه حامل اشیاء قاچاق بتوسط مکاری یا اتومبیل یا سایر وسائط نقلیه نتواند ارسال کننده یا کسیکه باید بمحمولات باو داده شود معین و اثبات کند علاوه بر ضبط مال باید شخصاً از عهده جزای نقدی برآید .

کسی با اتهام قاچاق اجناس ممنوعه که موقع حمل آن بداخل شهر کشف شده تعقیب و بواسطه نپرداختن جزیمه بموجب قرار مستنطق توقیف شده متهم بمحکمه بدایت شکایت کرده مدعی العموم نیز از محکمه درخواست تعقیب جزائی کرده محکمه پس از رسیدگی متهم را تبرئه کرده و حکم مزبور در محکمه استیناف تأیید شده است .

اداره گمرک از حکم مزبور مستدعی تمیز شده - دیوان عالی تمیز شعبه (۲) پس از رسیدگی در حکم شماره ۵۵۳ ر ۹۴۲۹ - مورخ ۱۶/۳/۱۳ چنین رأی داده است :

«در چند قسمتی از اعتراضات اداره استدعا کننده تمیز (گمرک) بر حکم استینافی دائر بوجود دلائل کافی برای تعلق اشیاء مکشوفه بمتهمین و خدشه در ادله حکم محکمه چون راجع به ماهیت دعوی و ایراد بنظر محکمه حاکمه است اصولاً قابل اعمال نظر تمیزی نیست

## تصمیم دیوان عالی تمیز

« در مورد انتقال منافع ملك كه قبلاً بدیگری واگذار شده و مداخله قاضی در دعوی جزائی كه در

قسمت حقوقی آن قبلاً مداخله داشته »

پس از رسیدگی چنین رأی داده است :

« ملخص اعتراض مسدعی تمیز وو کیل او راجع بمعامله میان او با فروشنده آنکه در چند سال قبل چهار دانگ مورد بحث که متهم مالک آن بوده نزد فروشنده بیع شرط گذاشته و قصد تملیک در میان نبوده و مالکیت منتقل الیه مزبور در آن ملک ملاک و مبنای قانونی نداشته تا بتواند منافع آنرا بدیگری انتقال دهد - این اعتراض با در نظر گرفتن احکام قطعی حاکی از مالکیت منتقل الیه در چهار دانگ و صحت معامله شرطی و اینکه در تاریخ انتقال پنجساله منافع مالک منافع بوده وارد نیست - اعتراض دیگر باینکه رئیس محکمه جنائی قبلاً در محکمه استیناف بعنوان رسیدگی تمیزی در موضوع صحت و عدم صحت انتقال منافع از طرف فروشنده که منشأ و اساس اتهام است بر علیه متهم اظهار عقیده کرده و با اینکه بر مداخله او در محکمه جنائی ایراد شده رد کرده است - نیز وارد نیست زیرا علاوه بر اینکه در حکم تمیزی که رئیس محکمه جنائی در آن دخالت داشته اظهار عقیده در ماهیت دعوی نشده بلکه از جهت عدم ورود اعتراض قانونی حکم بدایت را که استینافاً صادر شده بوده ابرام کرده است . اساساً موضوع یکی نبوده و اظهار عقیده یکی از قضاة در يك موضوع حقوقی مانع از صلاحیت قاضی مزبور در مداخله او در امر جزائی نمیشود اگر چه امر جزائی مربوط بقضیه حقوقی باشد . بنا بر این حکم محکمه جنائی ابرام میشود . »

بموجب ماده ۸۱ و ۸۲ قانون انتقال مال غیر - کسیکه مال غیر را با علم بمال غیر بودن بنحوی از انحاء عیناً یا منفیاً بدون مجوز قانونی بدیگری منتقل کند کلاه - بردار و طبق ماده ۲۳۸ قانون مجازات محکوم میشود - و هر گاه معاملات تقلبی مذکور بوسیله اسناد رسمی بوده معامله کسبکننده جاعل در اسناد رسمی محسوب و مطابق مواد راجع بعمل در اسناد رسمی مجازات خواهد شد .

بموجب ماده ۱۰۶ قانون مجازات عمومی - مجازات جمل در اسناد حبس مجرد از دو تا ده سال است .

کسی با اتهام اینکه در سال ۱۳۴۷ قمری چهار دانگ ملکی را از کسی که قبلاً منافع آنرا پنجساله بدیگران انتقال داده بوده خریده و متهم با علم باینکه منافع ملك متعلق بدیگران است با سند رسمی انتقال بغیر میدهد و در نتیجه مورد تعقیب پارکس بدایت واقع شده و پس از صدور قرار مجرمیت و طرح در محکمه جنائی طهران محکمه مزبور عمل را منطبق بر ماده ۸۱ و ۸۲ قانون انتقال مال غیر دانسته و با رعایت تخفیف طبق ماده ۴۴ قانون مجازات او را بشش ماه حبس تادیبی محکوم کرده است و چون منتقل الیه منافع نیز مورد تعقیب واقع گردیده بوده محکمه بعنوان اینکه معلوم نیست متهم از حقیقت قضیه و اینکه منافع متعلق بدیگری بوده اطلاع داشته و معامله را کرده است حکم تبرئه صادر نموده است .

محکوم علیه از حکم مزبور تمیز خواسته - (شبهه ۵)

دیوان عالی تمیز در حکم شماره ۵۶۸۵/۵۴۳۷ مورخ ۱۵/۳/۱۶

## تصمیم دیوان عالی تمیز

در مورد رسیدگی محاکم بدعوائیکه بموجب رای حکم خاتمه یافته است

کسی در محکمه بدایت بر کسی دیگر بمدعی به . . . . اقامه دعوی نموده مدعی علیه دعوی متقابل بمدعی به پانزده تخته قالیچه کرمانی کرده - محکمه بدایت پس از رسیدگی هر یک را بتأدیه مدعی به در حق دیگری محکوم کرده است محکوم علیه (مدعی) از حکم مزبور استیناف داده - محکمه استیناف حکم بدوی را تأیید کرده - محکوم علیه از حکم مزبور تمیز داده دیوان عالی تمیز شعبه (۳) در حکم شماره ۵۸۳ ر ۱۳۴۲۹ مورخ ۱۶/۳/۱۵ پس از رسیدگی چنین رأی داده است:

« برطبق سواد مصدق مدارک منضمه بعرضحال مدعی همین دعوی در تاریخ ۱۲ ذیحجه ۳۷ از طرف مشارالیه بشرح عرضحال بمدعی به ( شصت هزار ریال ) بر مدعی علیه اقامه و مدعی علیه بمدعی به پانزده تخته قالیچه و دو ازده هزار ریال ) بعرضحال دعوی متقابل تقدیم کرده است ( بشرح عرضحال مورخ ۲۷ ذیحجه ۳۷ ) وقضیه در شعبه اول بدایت گیلان تحت رسیدگی واقع وبالاخره در جلسه مورخ سلخ ربیع الثانی ۱۳۳۸ طرفین متراضیاً به تسدق و حکمیت تسلیم و مشارالیهم تحت نظر عضو محکمه تشکیل جلسه داده و چنین رأی داده اند ( دعوی طرفین بمبلغ دو هزار تومان خاتمه یافته که مدعی علیه مبلغ مزبور

را به مدعی پرداخته و پانزده تخته قالیچه خود را مسترد دارد و آنچه مطالبات وصولی و لا وصولی در محل است متعلق بمدعی علیه باشد ) پس از آن طرفین دعوی در محکمه حاضر و با حضور هیئت حاکمه ختم عمل مزبور را تصدیق نمودند و محکمه بدین نحو انشاء رأی کرده است ( علیهذا بمقتضای تصدیق طرفین دعوی بنحو مرقوم خاتمه یافته و مخارج محاکمه مطابق ماده ۸۱۰ اصول محاکمات بعهدہ طرفین است ) بر اثر این رأی ورقه اجرائیه نیز صادر و طبق پرونده اجرائی ضمیمه شده قضیه سیر مرحله اجرائی خود را کرده النهایه بواسطه موافقی به نتیجه قطعی نرسیده ؛ از این رو اصل دعوی مختومه تلقی میشود و اصولاً دو باره قابل طرح و رسیدگی نبوده است و بایستی موضوع در صورت تقاضای متداعیین همان دایره اجرا محول شود علیهذا حکم ممیز عنہ بر تأیید حکم بدوی دایره بر محکومیت مدعی علیه به تأدیه بیست هزار ریال به مدعی و محکومیت مدعی به پرداخت پنجاه هزار ریال در وجه مدعی علیه مخدوش و مخالف اصول بوده و بموجب ماده ۳۴۰ اصول آزمایش با اتفاق آراء نقض میگردد : »

## تصمیم دیوان عالی تمیز

در مورد تشخیص احوال شخصیه ایرانیان غیر شیعه

زانی (کایمی) بر شوهر خود (کایمی) بمدعی به مبلغ . . . . باستناد ورقه نکاحیه اقامه دعوی کرده محکمه مدعیه را محکوم به بیحقی نموده - محکوم علیه از حکم مزبور استیناف داده محکمه استیناف پس از

بموجب ماده واحده منوب ۳۱ تیر ماه ۱۳۱۳ - نسبت بایرانیان غیر شیعه که مذهب آنان برسمیت شناخته شده در مسائل مربوط بنکاح و طلاق عادات و قواعد مسلمة متداوله در مذهبی که شوهر پیرو آن است رعایت میشود

رسیدگی چنین رأی داده است :

نمودن زن از منزل و ندادن نفقه و کسوه و نظر باینکه از طرف مدعیه دلیل کافی بر تحقق یکی از شرایط مذکور اقامه نگردیده بلکه بر عکس از سواد رأی محکمه استیناف داور بر تهرئه مدعی علیه از اتهام کتک زدن به مدعیه و نیز از سواد حکم محکمه صلح مبنی بر لزوم تمکین مدعیه از مدعی علیه بی اساسی اظهارات و کیل مدعیه باینکه مدعی علیه موکله او را کتک زده و از منزل بیرون کرده است مدال میشود و بنا بر مراتب مذکور حکم بدایت بدون اشکال است و تأیید میشود .

محکوم علیها از حکم مزبور تمیز خواسته - شعبه ۳ دیوان عالی تمیز در حکم شماره ۵۸۸ ر ۱۳۷۳۰ مورخ ۱۶/۳/۱۵ پس از رسیدگی چنین رأی داده است :

« با صرف نظر از اعتراضات مستدعی تمیز و بر فرض اینکه موضوع اصل مهریه را بتوان از لواحق نکاح و جزء احوال شخصیه و عادات متداوله مذکوره در قسمت اول ذیل ماده واحده مصوبه ۳۱ تیرماه ۱۳ دانست چون در این مورد بطوریکه مستند دعوی حاکی است در پایان عقدنامه پس از ذکر تمام شرایط عقد و مهر و جهیز زوج بعنوان صلح و بخشش تمهد نموده که مبلغی به زوجه بپردازد که تمهد مزبور عقد جداگانه است و نمیتوان آن را از لواحق نکاح و قابل انطباق با ماده فوق الاشعار دانست بلکه تابع قواعد عمومی و قانون مدنی خواهد بود بنابراین حکم بدوی که با استناد ماده واحده صادر شده بوده و تأیید آن در مرحله استیناف مخالف قانون بشمار میرود و طبق ماده ۳۴۰ با تفاق آراء نقض میشود .»

« اعتراضات و کیل مستأنفه آنست که اولاً مدعی به موکله او بر حسب حکایت ورقه نکاحیه که اخیراً یعنی بعد از تقدیم عرضحال ارائه گردیده بابت مهریه نبوده بلکه پس از ختم صیغه ازدواج و تعیین مهریه مدعی علیه تحت عنوان بخشش تمهد تأدیه معادل مدعی به نموده که بنابراین بر فرض اینکه موکله او قبل از وقوع طلاق یا فوت شوهرش حق مطالبه مهریه خود را نداشته باشد مربوط باین مورد که بابت تمهد مدعی علیه و تحت عنوان بخشش مطالبه شده است نمیباشد ثانیاً بموجب همان اوراق استوالبه از احاطم و اوراق دیگر که بضمیمه عرضحال استینافی تقدیم شده جای تردید نیست که مدعی علیه نه فقط از تأدیه نفقه و کسوه و انجام مقررات مربوطه بزنا شوئی خودداری کرده بلکه مشارالیه موکله اینجانب را کتک زده و از منزل خارج نموده و فعلاً هم در منزل برادرش میباشد و بنابراین بر فرض اینکه وجه مورد مطالبه مربوط بصداق مدعیه هم تصور شود از این جهت که مدعی علیه او را از منزل خارج کرده حق مطالبه آن را خواهد داشت (اعتراضات مزبوره وارد نیست زیرا هر چند بر حسب حکایت سواد ورقه نکاحیه پس از ختم امر مربوط به نکاح از تعیین مهریه و غیره مدعی علیه مبلغ ... بخشش قطعی غیر قابل برگشت بمدعیه نموده ولی چون بر حسب اوراق استوالبه که طرفین ارائه و استناد بان کرده اند حق مطالبه وجه بخشش هم مثل مهریه متوقف بر تحقق یکی از شرایط مذکوره در اوراق استوالبه است از قبیل طلاق یا فوت شوهر یا خارج

## تصمیم دیوان عالی تمیز

در مورد معاملات قیم که مربوط بصغیر است

کسی بمدعی به مبلغ ۰۰۰۰۰۰ بر کسی دیگر بمدرکیت سند ذمی طرح دعوی در محکمه بدایت کرده محکمه مدعی علیه را محکوم بتأدیه مدعی به و خسارت مینماید - محکوم علیه از حکم مزبور استیناف داده و

بموجب ماده ۳۴۴ قانون آزمایش - اگر در دعوائی که از قراردادی ناشی شده بمفاد صریح سند و یا بقانون و نظامنامه متعلق بان قرار داد معنی دیگری داده شود آن حکم نقض میشود .



اعتراضاتی کرده از جمله آنکه سند ذمی مربوط بصغیر بوده و مدعی علیه بسمت قیومیت معاملاتی بمصاحبت صغیر کرده و در نتیجه دین مزبور مربوط به صغیر است نه بشخص مدعی علیه - محکمه استیناف پس از رسیدگی چنین رای داده است : سپرده شدن دو فقره قبض مدرکیه دعوی از طرف مدعی علیه بمدعی بدون ذکر در آنها باینکه استقراض برای صغار و بنام آنها و باعتبار قیومیت مدعی علیه از صغار مزبور بوده قرائنی است به نفع مدعی و اینکه حق استرداد وجه را از شخص مدعی علیه دارد و از طرف دیگر ذکر ملک ۰۰۰۰ در دو فقره قبوض و اشعار آنها به تصفیه عمل ملک ۰۰۰۰ و بیع شرط گذارده شدن یکدانک و نصف دانک آن بازاء وجوه استقراضی با توجه بورقه دیگر استنهای خود مدعی راجع به بیع شرط سه دانک ملک ۰۰۰۰ که حاکی از مالکیت مورث صغار نسبت به شش دانک ملک مزبوره است و بودن آن در دست مدعی میرساند که مشارالیه میدانسته شش دانک قریه مزبوره متعلق به مورث بوده نه مدعی علیه و محرز بودن قیومت مدعی علیه در تاریخ دو فقره قبوض به صغار مورث از حیث عدم تکذیب این سمت از طرف مدعی جمماً میرساند که مدعی در موقع دادن وجوه دو فقره قبض میدانسته که مدعی علیه آنرا برای صغار میگرداند برای شخص خود و با تعارض ادله و قرائن بشرح فوق نظر به اینکه بهر حال ظاهر مندرجات دو فقره قبض و اوضاع و احوال مرقومه مسلم مینماید که مدعی وجه قبوض را بمدعی علیه باعتبار شخص او پرداخته و مجرد استناد مدعی علیه بورقه صورت حساب بدون آنکه معلوم باشد قیوم جدید و مقام صلاحیت دار قرضه مزبوره را بعنوان دین منجز صغار قبول نموده باشد رفع اثر از استقراضی و تهدیی که مدعی

علیه کرده نمینماید و مسئولیت مشار الیه در پرداخت وجه بصاحب آن اصولاً محقق است بنا براتب حکم محکمه بدایت اشکالی نداشته و تایید میشود ، محکوم علیه از حکم مزبور تمیز داده - دیوان عالی تمیز شعبه (۳) در حکم شماره ۵۸۹۵۸۹۱۳۵۸۹ مورخ ۱۶۳۱۵۱۶۳۱۵ پس از رسیدگی چنین رای داده است :

دو ورقه مدرکیه دائر باستقراض مستدعی تمیز از مستدعی علیه متناً و منطوقاً دلالت دارند که قرضه مزبور برای اصلاح عمل ملک ۰۰۰۰۰ بوده و مسبقاً بمعامله ایست که مورث صغار در همین ملک با دائن کرده بوده است و با محرز بودن اینکه ملک ۰۰۰۰ ملک مورث صغار میباشد و مستدعی تمیز هم در موقع هر دو استقراض قیومت بر صغار داشته و در صورت جمع خرج وجوهی که از طرف او بپار که بدایت تقدیم و تردیدی در صحت آن نشده و این دو فقره قرض هم در آن صورت که دارای امضاء ناظرها نیز هست مندرج است و اینکه یکی از آن دو قبض ممضی بامضاء ۰۰۰۰ میباشد که او را مستدعی و کیل ناظر آن صغار معرفی و تکذیبی از این معرفی نشده و محکمه حاکمه هم تمام این مقدمات را مسلم داشته و در ضمن رای خود ذکر کرده نمیتوان استقراض های مورد بحث را شخصی دانست ( نه بعنوان قیومت ) علی الاصول قیوم امین و یداوید نمایندگی است مادام که تعدی و تقریطش نسبت بمعاملاتی که در اموال صغار کرده معلوم نشده باشد بنابراین مراتب اعتراضات مستدعی بخلاصه اینکه معامله صرفاً بعنوان قیومت بوده و دعوی متوجه باو نیست وارد و حکم مورد استدعا برخلاف مستند دعوی صادر و طبق ماده ۳۴۴ قانون اصول آزمایش نقض میشود ...

## تصمیم دیوان عالی تمیز

در مورد مداخله مدیر تصفیه بدون شرکت ناظر

و عدم ارجاع بخبره در مورد امور فنی

محکوم علیه از حکم مزبور تمیز خواسته اند -  
شبهه ۳ دیوان عالی تمیز در حکم شماره ۱۳۶۴۲۵۹۳ و  
حکم شماره ۶۱۲۶۱۲۵۹۳ مورخ ۱۵/۳/۱۶ پس از رسیدگی  
چنین رأی داده است :

« چون بر حسب استفاده از ماده ۴۵۷ قانون تجارت  
مدیر تصفیه با نظارت عضو ناظر باید بوصول مطالبات  
اقدام نماید و محتویات پرونده عمل و حکم مورد شکایت  
از مداخله و نظارت عضو ناظر حکایت ندارد و در موقع  
پلمب شدن دفاتر شرکت از مدعی علیه اسمی ذکر نشده  
و علاوه تشخیص اینگونه امور از امور فنی و از صلاحیت محکمه  
خارج و محتاج بمراجعه واعمال نظر خبره است بنابراین  
مبنای حکم مورد استدعای تمیز قانونی بنظر نمی رسد و  
منقوض است »

بموجب ماده ۴۵۷ قانون تجارت - مدیر تصفیه با  
نظارت عضو ناظر بوصول مطالبات مداومت مینماید -  
کسی بمنوان مدیر تصفیه بر چند نفر ورثه تاجر متوفی که  
تجارتخانه آنها متوقف شده بمنوان آنکه مدعی علیه  
طبق ماده ۲۲۰ قانون تجارت جزء شرکت تضامنی شناخته  
شده و مسئول پرداخت قروض تجارتخانه هستند اقامه  
دعوی در محکمه بدایت کرده محکمه پس از رسیدگی  
دعوی را بی دلیل دانسته و مدیر تصفیه را محکوم بیبستگی  
مینماید - محکوم علیه از حکم مزبور استیناف داده -  
محکمه استیناف حکم محکمه بدایت را فسخ و بدلائل  
و قرائنی مدعی علیه را شریک در تجارتخانه و سهم در  
سود و زیان شناخته و نسبت سهم هر یک را بپرداخت مبلغی  
بابت قروض تجارتخانه محکوم کرده است .